

بررسی تاثیر بندهای غیر متعارف توافقنامه های تجاری منطقه ای بر تجارت بین الملل

مصطفی حیدری هراتمه*

پذیرش: ۹۷/۱۱/۳

دریافت: ۹۷/۸/۱۵

معادله ی جاذبه / RTA / تدارکات دولتی / دارایی های فکری / سیاست رقابتی / حل و فصل
اختلافات

چکیده

حوزه ی توافقنامه های تجاری منطقه ای RTA اخیر با وارد کردن چندین بند از جمله سیاست رقابت یا دارایی های فکری و فراتر رفتن از مرز تعهدات WTO، گسترده تر از پیش شده است. این RTA های گسترش یافته نه فقط نرخ های تعرفه را کاهش می دهند بلکه باعث ایجاد همکاری و ارتباط در حوزه های متعدد اقتصادی در میان کشورهای عضو می گردد. اگر وجود هر بند دارای تاثیرات قابل توجه و متفاوتی از لحاظ تجارت آفرینی داشته باشد، حتی اگر از لحاظ میزان کاهش تعرفه ها دارای ارزش برابر باشند، این تفاوت ها در حوزه ی RTA ها می تواند منجر به تاثیرات ناهمگنی روی معاملات میان RTA ها شود لذا این تحقیق سعی دارد میزان تاثیر افزایشی هر بند از RTA بر ارزش معامله را در کشورهای عضو RTA مورد بررسی قرار دهد. برای انجام آن ۹۶ RTA منعقد شده میان ۶۷ کشور عضو منطقه ی ESCPI، در یک دوره زمانی ۴۰ ساله مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از تکنیک PPML به همراه اندیکاتورهایی که به خوبی برای هر RTA منعقد شده، تفکیک شده اند، یک معادله جاذبه تخمین زده شد. نتایج ناشی از تحلیل ها نشان داد که: الف) بند سیاست رقابتی به طور

مداوم دارای تاثیرات مثبتی بر معاملات می باشد و بیش ترین تاثیر را بر گسترش معاملات دارد و سپس بند تدارکات دولتی در رتبه ی دوم تاثیرگذاری قرار می گیرد ب) همچنین تجزیه و تحلیل افزایش معاملات در حاشیه های درونی و بیرونی نشان از نقش های قابل توجه بندهای مربوط به سیاست رقابتی و تدارکات دولتی دارد ج) تمام نتایج نسبت به مشخصات و نمونه های مختلف، قدرتمند و معتبر هستند و نشان می دهند حضور بندهای سیاست رقابتی و تدارکات دولتی به منظور افزایش تاثیرات تجارت آفرینی RTA ها در جهت گسترش حمایت سیاسی برای انعقاد RTA ها بسیار حائز اهمیت است .

طبقه بندی JEL: D24, L90

مقدمه

حوزه‌ی توافقنامه‌های جدید تجارت منطقه‌ای (RTA) به طرز قابل توجهی گسترش یافته است. این توافقنامه‌ها در گذشته به منظور کاهش و سپس حذف نرخ تعرفه‌های گمرکی منعقد می‌شدند. با اینکه حذف تعرفه‌ها همچنان یکی از اهداف مهم محسوب می‌شوند اما در RTAهای جدید، تمایل بر لحاظ کردن بندهایی برای سیاست‌های مختلف من جمله تحرک پذیری افراد، تدارکات دولتی، سیاست‌های رقابتی، حفاظت از حقوق دارایی‌های فکری، تجارت الکترونیک، حل و فصل منازعات، استانداردهای نیروی کار، سیاست‌های زیست محیطی، همکاری‌های فنی، مکانیسم‌های سازمانی و ... می‌باشد. پوشش و عمق این بندها فراتر از چیزی است که در توافقنامه‌های WTO مانند «توافقنامه‌ی تدارکات دولتی»^۱ (GPA) یا «توافقنامه‌ی جنبه‌های مربوط به حقوق دارایی‌های فکری مرتبط با تجارت»^۲ (TRIPS) آمده است. به عنوان مثال از آن جایی که تنها یک سری از کشورها GPA را امضا کرده‌اند، RTAها با بندهای خاصی که برای تدارکات دولتی دارند می‌تواند موانع را برای کشورهایی که GPA را امضا نکرده‌اند، بردارد. حتی برای کشورهایی که GPA را امضا کرده‌اند، بندهای مربوط به تدارکات دولتی در RTAها می‌تواند با الزام آستانه‌های پولی پایین‌تر برای قراردادهای، تدارکات دولتی را آزادتر نماید. RTAهای باز نه تنها نرخ تعرفه‌های گمرک را کاهش می‌دهد بلکه باعث ارتقاء همکاری و ارتباط میان کشورهای عضو در حوزه‌های مختلف اقتصادی می‌گردد، پس توافقنامه‌های تجاری می‌توانند تجارت منطقه‌ایی و بین‌الملل را تحت الشعاع قرار دهد و این مهم تحت عنوان تأثیر بندهای نامتعارف توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ایی بر تجارت بین‌المللی به عنوان فرضیه اصلی تحقیق در نظر گرفته شد. بنابراین در این تحقیق به طور تجربی و میدانی به این موضوع پرداخته می‌شود که بندهای پیشرفته و نامتعارف RTAها شامل (تدارکات دولتی، دارایی‌های فکری، سیاست رقابتی و حل و فصل اختلافات) تا چه اندازه تجارت جهانی میان کشورهای عضو RTA را ارتقا می‌بخشد؟ با توجه به سوال مذکور، مساله تحقیق تحت عنوان تأثیر بندهای نامتعارف در RTAها شامل (تدارکات دولتی، دارایی‌های فکری، سیاست رقابتی و حل و فصل اختلافات) بر تجارت بین‌الملل تبیین می‌گردد. در ادامه تحقیق حاضر، ادبیات نظری موضوع مورد بررسی قرار

1. Government Procurement Agreement (GPA)

2. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

می‌گیرد سپس بخش روش تحقیق شامل تصریح مدل و معرفی داده‌ها تخمین و تجزیه و تحلیل الگوارائه می‌گردد و در نهایت به نتیجه‌گیری و پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۱. ادبیات نظری تحقیق

توافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای RTAها از لحاظ بندهای مندرج، دارای گونه‌های قابل توجهی هستند. به عنوان مثال توافقنامه‌ی «منطقه‌ی آزاد تجاری چین-ASEAN»^۱ شامل بند مربوط به تدارکات دولتی نمی‌باشد؛ توافقنامه‌ی «منطقه‌ی آزاد تجاری آسیای جنوبی»^۲ دارایی‌های فکری را پوشش نمی‌دهد؛ توافقنامه‌ی «تجارت آزاد استرالیا-شیلی»^۳ فاقد بند تدارکات دولتی است و توافقنامه‌ی «تجارت سازمان همکاری‌های اقتصادی»^۴ دارای بند حل و فصل اختلافات نمی‌باشد. در مقابل، توافقنامه‌ی «تجارت آزاد آمریکای شمالی»^۵ (NAFTA) چهار بند مورد اشاره را در بر می‌گیرد. اگر وجود هر بند تاثیرات قابل توجه و متفاوتی از لحاظ ایجاد تجارت داشته باشد، حتی اگر از لحاظ میزان کاهش تعرفه‌ها دارای ارزش برابر باشند، این تفاوت‌ها در حوزه‌ی RTAها می‌تواند منجر به تاثیرات ناهمگنی روی معاملات میان RTAها شود.

RTA شامل بندهای زیادی با ترکیبات مختلف می‌شوند. تمرکز این تحقیق روی تاثیر و نقش چهار نوع از بندهای RTAهاست که عبارتست از: تدارکات دولتی، دارایی‌های فکری، سیاست رقابتی و حل و فصل اختلافات.

- الف) بند مربوط به تدارکات دولتی از طریق شفافیت بیش‌تر در قراردادهای اعطایی، دسترسی به اطلاعات، دسترسی به بازار و معاملات ملی، موانع فرایندهای تدارکات دولتی را کاهش می‌دهد. آستانه‌های پولی قراردادها اغلب پایین می‌آیند تا تدارکات دولتی به یک بازار قابل اعتراض تبدیل شود. در نتیجه در بند تدارکات دولتی، دسترسی بازارهای تدارکات دولتی که معمولاً بیش از ۱۰ درصد GDP را تشکیل می‌دهند، در اختیار شرکت‌های خارجی قرار می‌گیرد و به این ترتیب در این بازار مهم اقتصادی که اغلب سطح حفاظت بالایی دارد، باعث افزایش تجارت میان کشورهای عضو خواهد شد.

1. ASEAN-China Free Trade Area

2. South Asian Free Trade Area

3. Australia-Chile Free Trade

4. Economic Cooperation Organization Trade Agreement

5. North American Free Trade Agreement (NAFTA)

- (ب) بند دارایی‌های فکری درواقع شامل مراقبت و حراست قوی‌تر از این‌گونه دارایی‌ها است. در نتیجه، بند حفاظت از دارایی‌های فکری در تقویت حفاظت از دارایی‌های فکری و به تبع آن، افزایش تجارت‌ها به خصوص تجارت کالا که تکنولوژی پیشرفته و محتواهای خلاقانه را وارد کشورهای عضو می‌کند، ایفای نقش می‌کند.
- (ج) فصل مربوط به سیاست رقابتی مربوط به تعهداتی است که به اطمینان نتیجه می‌دهد:
 ۱. شیوه‌های تجاری ضد رقابتی ممنوع است، ۲. شرکت‌های انحصاری از قدرت‌شان سوء استفاده نخواهند کرد، ۳. برای شکایت از شیوه‌های ناعادلانه، راه کارها و مسیرهایی وجود دارد و ۴. مقامات مسئول متعهد می‌شوند به منظور تسهیل اجرای شیوه‌ها و انتشار شیوه‌های برتر، با یکدیگر همکاری و مشاوره داشته باشند!.
- (د) بند حل و فصل اختلافات مربوط به الزام همفکری، وساطت، مصالحه و در صورت نتیجه بخش نبودن همفکری‌ها، نوعی حکمیت و داوری می‌باشد. طرفین باید ظرف مدت زمانی کمتر از ۱۵ روز پس از دریافت درخواست مربوط به کالاهای فاسد شدنی یا ۳۰ روز پس از دریافت درخواست سایر موضوعات، وارد مشاوره و همفکری شوند. طرفین باید تمام تلاش خود را برای رسیدن به نتیجه‌ای مورد رضایت دوطرف از طریق مشاوره انجام دهند. اگر طرفین نتوانستند موضوع را حل نمایند یک دیوان داوری تشکیل خواهد شد. در نتیجه، ریسک ایجاد دشواری‌های دیپلماتیک برای شرکت‌ها پایین آمده و لازم نیست شرکت‌ها هنگام گسترش معاملات‌شان، مردد باشند.

به منظور بررسی و تعیین تأثیرات تجارت آفرینی در میان RTAها، معادله‌ی جاذبه‌ی معروف مبنا قرار گرفته می‌شود. در ادبیات و نوشته‌های مربوط به اندازه‌گیری تأثیرات RTAها از لحاظ ارتقای تجارت، معادلات جاذبه اغلب به همراه متغیرهای ساختگی RA مورد سنجش قرار گرفته‌اند^۱ یک متغیر ساختگی نوعی، زمانی که کشورهای تجارت کننده به یک RTA تعلق داشته باشند، یک و در غیر این صورت صفر می‌شود. در این تحقیق، این مدل قدیمی

۱. بانک توسعه‌ی آسیایی ۲۰۰۸.

۲. مانند بایر (Baier) و برگ‌استراند (Bergstrand) ۲۰۰۷؛ کاپورال (Caporale) و همکاران ۲۰۰۹؛ مدودف (Medvedev) ۲۰۱۰؛ روی (Roy) ۲۰۱۰؛ ویکارد (Vicard) ۲۰۰۹.

و سنتی RTA به پنج متغیر منشعب می‌گردد. اول، نرخ‌های دوجانبه‌ی تعرفه‌های گمرک به منظور رسیدن به تاثیرات مستقیم تجارت‌آفرینی می‌باشد. بقیه‌ی متغیرها، متغیرهایی ساختگی و مدلی هستند که نشان‌دهنده‌ی وجود چهاربند غیرمتعارف تدارکات دولتی، سیاست رقابتی، حفاظت از حق دارایی‌های فکری و حل و فصل اختلافات، در RTA می‌باشند. این چهار بند از این جهت انتخاب شده‌اند که تشخیص این‌که آن‌ها در توافقنامه‌ها وجود دارند یا خیر، نسبتاً روشن و واضح است. پس بررسی می‌شود که آیا ضریب هریک از این متغیرها در معادله‌ی جاذبه به صورت مثبت و قابل توجه تعیین شده است یا خیر.

تجزیه و تحلیل روی تاثیرات تجارت‌زای RTAها به متون مربوط به تعیین تاثیرات حمایت از تجارت RTAها با استفاده از معامله‌ی جاذبه، کمک می‌نماید. به خصوص رویکرد تحلیلی این مقاله با «ویکارد»^۱ (۲۰۰۹)؛ «روی» (۲۰۱۰) و «بایر»، «برگ‌استراند» و «فنگ»^۲ (۲۰۱۱) مشترک است. در این تحقیقات متغیر ساختگی RTA متعارف تجزیه شده و به پنج نوع RTA (مانند ترتیبات ترجیحی، توافقنامه‌های تجارت آزاد، اتحادیه‌های گمرکی و بازارهای مشترک) تقسیم می‌گردد. «روی» (۲۰۱۰) و «بائر»، «برگ‌استراند» و «فنگ» (۲۰۱۱) دریافتند که تاثیرات تجارت‌آفرینی در اتحادیه‌های گمرکی بالاتر از توافقنامه‌های تجارت آزاد می‌باشد. برعکس «ویکارد» (۲۰۰۹) به این نتیجه رسید که میان میزان تاثیرات تجارت‌آفرینی انواع مختلف RTAها، تفاوت معناداری وجود ندارد. این تحقیق با شناسایی تک‌تک بندهای متعدد RTA و بررسی ارتباط میان هر بند و تاثیرات تجارت‌آفرینی، به روشنی عمق RTAها را اندازه‌گیری می‌نماید. یک چنین تحقیق تحلیل مناسب و شفاف‌تری از ارتباط میان عمق RTAها و تاثیرات تجارت‌آفرینی آن‌ها به دست خواهد داد.

برخی تحقیقات مربوط به تجارت‌آفرینی بر اهمیت حاشیه‌ی بیرونی صحنه گذاشته و برخی دیگر بر حاشیه‌ی درونی تاکید دارند. تا به امروز، متون و تحقیقات موجود به نتایج مختلف و متناقضی رسیده‌اند. به عنوان مثال «دیباثر» و «مستشاری» (۲۰۱۰) به بررسی تغییر تاثیر کاهش تعرفه بر حاشیه‌ی خارجی پرداخت و دریافت که کاهش تعرفه نسبت به رشد کلی در تجارت بین‌المللی، تاثیرانندی بر حاشیه‌ی خارجی دارد. اما «فلبرمایر»^۳ و «کوهلر»^۴ (۲۰۰۶) دریافتند که از سال ۱۹۵۰ تا

1. Vicard

2. Fang

3. Felbermayr

4. Kohler

۱۹۹۷، ۴۰ درصد رشد تجارت جهانی ناشی از حاشیه‌ی خارجی بوده است. «لیو» (۲۰۰۹) بررسی کردند که GATT/WTO تجارت را نه فقط در حاشیه‌ی بیرونی بلکه در حاشیه‌ی درونی نیز برانگیختند. قطعاً برای نتیجه‌گیری نهایی بحث در مورد تأثیرات حاشیه‌های درونی و بیرونی، به تحقیقات و بررسی‌های بیش‌تری نیاز است. تا جایی که اطلاعات موجود نشان می‌دهد، هیچ تحقیقی تا به حال به بررسی تأثیرات بندهای RTA روی حاشیه‌های درونی و بیرونی نپرداخته است. بنابراین در این تحقیق، تأثیرات تجارت آفرینی با دقت و جزئیات بیش‌تری مورد بررسی قرار می‌گیرد به طوری که آن‌ها را از لحاظ حاشیه‌های درونی و بیرونی نیز از هم متمایز می‌شوند. به این صورت که از طریق تجزیه‌ی ارزش معاملات به دو قسم «تغییر در تعداد گونه‌های معامله شده» (حاشیه‌ی بیرونی) و «تغییر در ارزش معامله به ازای هر گونه» (حاشیه‌ی درونی)، در مورد تغییر در ارزش معاملات نیز تحقیق و بررسی می‌شود. همچنین نتایج این تحقیق به جز کمکی که به متون آکادمیک می‌کند می‌تواند برای سیاست‌گذاران نیز راهگشا باشد و از طریق آن بتوانند قضاوت کنند که کدامیک از تأثیرات RTAها قابل توجه‌تر خواهند بود، حاشیه‌های درونی یا حاشیه‌های بیرونی؟ اگر تشخیص داده شود که تأثیرات تجارت آفرینی بیشتر بر حاشیه‌های درونی اعمال می‌شود، ممکن است حمایت سیاسی از RTAها محدود به شرکت‌ها و صنایعی شود که قبلاً خودشان تجارت کرده‌اند. در مقابل، اگر این تأثیرات بیش‌تر به حاشیه‌های بیرونی نسبت داده شوند، مبنای حمایت سیاسی احتمالاً گسترش یافته و شرکت‌ها و صنایعی را که در زمان جاری صادراتی ندارند اما پتانسل آن را دارا هستند، در بر خواهد گرفت. بنابراین اگر توجه شود که هر بند از RTA تأثیر متفاوتی بر حاشیه‌های درونی و بیرونی دارد، سیاست‌گذاران احتمالاً RTAها را طوری طراحی می‌کنند که تجارت بین‌المللی را همراه با حمایت سیاسی گسترده، ارتقا بخشد. لذا موارد مذکور خود نشان از ضرورت و اهمیت موضوع را به خوبی تبیین و تصریح می‌کند.

۲. روش تحقیق: معرفی داده‌ها و تصریح الگو

این پژوهش از نوع هدف‌کاربردی و از لحاظ روش یک تحقیق توصیفی - پیمایشی و همبستگی - علی است و با توجه به مبانی نظری و مطالعات تجربی، متغیرها به شرح زیر در نظر گرفته می‌شود:

نشان دهنده ی صادرات کالاهای دوجانبه ی کشور T_{ij}

فاصله ی جغرافیایی میان کشور $Distance_{ij}$

RAT_{ij} , $Tariff_{ij}$, $Dispute_{ij}$, $Government_{ij}$, $Competition_{ij}$, $Contiguity_{ij}$, $Language_{ij}$, $Colony_{ij}$

RAT شامل مقررات غیرمتعارف (تدارکات دولتی، دارایی های فکری، سیاست رقابتی و حل و فصل اختلافات)

داده های مربوط به ارزش معاملات از «دیتابیس کامترید سازمان ملل»^۱ گرفته شده است. با استفاده از جدول تبدیل دسته بندی مشروط CPC و HS۱۹۹۲ که در وب سایت بخش آمار ملل متحد در دسترس است، ارزش های معاملات را در سطح شش رقم HS۱۹۹۲ در یک ارزش معامله ای واحد برای صنعت تولید کارخانه ای جمع می شود. اطلاعات مربوط به $Distance$, $Contiguity$, $Language$ و $Colony$ همگی از وب سایت (Centred'Informations Internationales CEPII) گرفته شده است.

اطلاعات نرخ تعرفه های گمرکی تجارت کالاهای کارخانه ای از «راه حل یکپارچه ی تجارت بین المللی»^۲ (WITS) که جامع ترین اطلاعات را در مورد نرخ تعرفه های گمرکی ایجاد شده توسط «بانک جهانی»^۳، «کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد»^۴، «مرکز تجارت بین المللی»^۵، UNSD و WTO در خود دارد، آمده است. همچنین برای شناسایی طرح های دقیق تعرفه های گمرکی برای هر شریک تجاری، منابع دیگری نیز استفاده شده است. به خصوص لیستی از کشورهای عضو WTO و هر RTA نیز تنظیم می شود. همچنین ذی نفعان GSP در میان کشورهای مختلف واردکننده، متفاوت هستند. اطلاعات مربوط به عضویت در WTO از وب سایت WTO گرفته شده است. همچنین از «دیتابیس توافقنامه های سرمایه گذاری و تجاری آسیا-اقیانوسیه»^۶، لیست اعضای هر RTA استخراج می شود. همانند ذی نفعان GSP، به جز اسناد رسمی ای موجود در وب سایت نرخ های گمرکی ملی هر کشور، از اسناد متعدد دیگری که در

1. UN Comtrade Database

2. World Integrated Trade Solution (WITS)

3. World Bank

4. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

5. International Trade Center (ITC)

وبسایت UNCTAD در دسترس قرار دارد نیز استفاده می‌گردد. نرخ‌های تعرفه‌ای که نسبت به ارزش کالا نمی‌باشند مفقود و گم‌شده در نظر گرفته می‌شود. همچنین برای سادگی کار، برای نرخ تعرفه‌های مختلط و متفاوت از نرخ‌های پایین‌تری استفاده می‌شود. البته این کارها تا اندازه‌ای باعث تخمین پایین نرخ‌های تعرفه‌ای می‌گردد. اما تمرکز ما روی کالاهای کارخانه‌ای مسلماً این نوع تخمین‌های پایین و سبک‌شماری را کاهش می‌دهد چراکه تعرفه‌هایی که بر اساس ارزش کالا نیستند و همچنین نرخ‌های مختلط تعرفه عمدتاً روی کالاهای غیرکارخانه‌ای اعمال می‌شوند. در این تحقیق معادلات را برای تجارت کالاهای کارخانه‌ای میان ۶۷ کشور که تا سال ۲۰۱۷ دارای RTA با ایران (۹۶ RTA) بوده و بعد از انقلاب در یک دوره زمانی ۴۰ ساله اندازه می‌گیرد.

در اقتصاد بین‌الملل، معروف است که معادله‌ی جاذبه یکی از موفق‌ترین ابزارها برای تحلیل کمی تجارت دوجانبه کالاها می‌باشد. بنابراین معادله‌ی مبنا در چارچوب معادله جاذبه به شرح زیر تعریف و در نظر گرفته می‌شود:

$$\ln T_{ij} = \beta_1 \ln distance_{ij} + \beta_2 contiguity_{ij} + \beta_3 language_{ij} + \beta_4 colony_{ij} + \beta_5 RTA_{ij} + u_i + u_j + \varepsilon_{ij}$$

T_{ij} : نشان دهنده‌ی صادرات کالاهای دوجانبه‌ی کشور

j : بیانگر یک دوره‌ی آشفتنگی

$Distance_{ij}$: به معنای فاصله‌ی جغرافیایی میان کشور

$Contiguity_{ij}$: در صورتی که دو کشور دارای یک مرز واحد باشند یک و در غیر اینصورت صفر می‌شود.

$Language_{ij}$: یک متغیر ساختگی است که در صورتی که حداقل ۹ درصد جمعیت دو کشور دارای یک زبان مشترک باشند، یک و در غیر اینصورت صفر می‌شود.

$Colony_{ij}$: یک متغیر دودویی است که نشان می‌دهد آیا دو کشور دارای یک رابطه‌ی مستعمره‌ای هستند یا خیر.

RTA در صورتی که دو کشور عضو یک توافقنامه تجاری منطقه‌ای باشند عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تخصیص می‌گیرد.

در نهایت با تعیین معادله‌ی جاذبه، تأثیرات توافقنامه تجاری منطقه‌ای روی ارزش معامله به شرح زیر تجزیه می‌گردد:

$$\begin{aligned} \ln T_{ij} = & \beta_1 \ln distance_{ij} + \beta_2 contiguity_{ij} + \beta_3 language_{ij} + \beta_4 colony_{ij} + \beta_5 RTA_{ij} + \beta_6 \ln(1 + tariff_{ij}) + \\ & \beta_7 government_{ij} + \beta_8 competition_{ij} + \beta_9 intellectual_{ij} + \beta_{10} dispute_{ij} + \beta_{11} WTO_{ij} + u_i + u_j + \varepsilon_{ij} \end{aligned}$$

در حالی که $Tariff_{ij}$ نشان دهنده ی نرخ تعرفه ی گمرکی مورد استفاده در کشور ز روی کالاهایی که از کشور i می آید. این متغیر وظیفه ی اصلی RTA که کاهش تعرفه نام دارد را بر عهده دارد. اما به این نکته هم توجه داشته باشید که این متغیر به تاثیر «سیستم تعمیم یافته ی تنظیمات»^۱ GSP پرطرفدارترین نرخ های ملی^۲ (MFN) و ... نیز در ارتباط است.

سه متغیر تدارکات دولتی، سیاست رقابتی و حل و فصل اختلافات ($Government_{it}$ ، $Dispute_{it}$ ، $Competition_{it}$) و متغیرهای ساختگی به صورت صفر و یک در نظر گرفته می شوند به این معنی که اگر دو کشور RTA را با هم منعقد کرده باشند که شامل بندهای مذکور شده باشد، دارای ارزش یک خواهند شد. اما اگر دو کشور دارای یک RTA مشترک با بندهای یکسان نباشند برای این متغیرها عدد صفر منظور می گردد. میانگین تاثیر بقیه ی عوامل اصلی در یک RTA خودشان را در ضریب متغیر ساختگی RTA متعارف نشان می دهند. همچنین یک متغیر ساختگی عضویت در WTO نیز مطرح می شود که اگر دو کشور هر دو عضو WTO باشند، دارای ارزش یک و در غیر این صورت دارای ارزش صفر خواهند شد. همان طور که قبلا هم گفته شد، عمق و پوشش بندها در RTA های اخیر فراتر از عمق و پوشش بندهای توافقنامه های WTO می باشد. در تایید این که این عمق و پوشش در حدی فراتر از تاثیرات ناشی از عضویت در WTO ، به تجارت آفرینی کمک می کند، تاثیرات تجارت آفرینی هریک از بندها را بررسی کرده و عضویت در WTO نیز مورد کنترل قرار می گیرد.

1. Generalized system of preferences (GSP)

2. Most favored nation (MFN) rates

جدول ۱- وجود بندها در RTAهای نمونه

تدارکات دولتی	سیاست رقابتی	دارایی فکری	حل و فصل اختلاف	تعداد	درصد
بله				۴۰	۳۶
	بله			۴۶	۴۲
		بله		۵۳	۴۸
			بله	۶۷	۶۰
بله	بله	بله	بله	۲۷	۲۴
بله	بله	بله	خیر	۴	۴
بله	بله	خیر	بله	۴	۴
بله	خیر	بله	بله	۳	۳
خیر	بله	بله	بله	۲	۲
بله	بله	خیر	خیر	۰	۰
بله	خیر	بله	خیر	۱	۱
بله	خیر	خیر	بله	۱	۱
خیر	بله	بله	خیر	۳	۳
خیر	بله	خیر	بله	۵	۵
خیر	خیر	بله	بله	۸	۷
خیر	خیر	خیر	بله	۱۷	۱۵
خیر	خیر	بله	خیر	۵	۵
خیر	بله	خیر	خیر	۱	۱
بله	خیر	خیر	خیر	۰	۰
خیر	خیر	خیر	خیر	۳۰	۲۷

UN ESCAP منبع: دیتابیس توافقنامه‌های سرمایه‌گذاری و تجاری آسیا - اقیانوسیه

۳. تخمین و تجزیه و تحلیل الگو

الف) نتایج جاذبه در مورد متغیرهای RTA

معادله‌ی مبنا (شامل یک متغیر ساختگی RTA متعارف) در ستون (۱) جدول (۲) نشان داده می‌شود. تمام ضرایب دارای نشانه‌های پیش‌بینی شده هستند. فاصله‌ی جغرافیایی میان شرکای تجاری با ارزش‌های معاملاتی مورد انتظار، دارای نسبت منفی می‌باشد. اشتراکات زبانی و مشترک بودن مرزهای ملی، دو کشور را به معاملات فعال ترغیب می‌نماید. ضریب ماکت WTO به شکل معناداری مثبت تخمین زده می‌شود، هرچند که میزان آن بزرگ به نظر می‌رسد. در راستای

یافته‌های قبلی، ضریب مثبت معناداری برای متغیر ساختگی RTA متعارف به دست می‌آید که از این طریق نشان‌دهنده‌ی تاثیرات تجارت آفرینی مثبتی می‌باشد. RTAها به طور خاص تجارت دوجانبه را ۳۰/۳ درصد افزایش می‌دهند.

این بزرگی کمی کوچک‌تر از بزرگی موجود در تحقیق «بایر» و «برگ‌استراند» (۲۰۰۷) است که معادله‌ی جاذبه را برای یک دوره‌ی زمانی دیگر (۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰) تخمین زده است.

جدول ۲- تخمین PPML برای معادلات جاذبه

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
-۰,۷۰۷ [۰,۰۴۷]	-۰,۷۰۴ [۰,۰۴۶]	-۰,۷۶۱ [۰,۰۴۷]	-۰,۷۴۲ [۰,۰۴۶]	-۰,۷۸۳ [۰,۰۴۹]	-۰,۲۷۶ [۰,۰۴۵]	فاصله
۰,۳۷۵ [۰,۱۲۱]	۰,۳۱۸ [۰,۱۲۳]	۰,۲۸۸ [۰,۱۰۹]	۰,۳۱۱ [۰,۱۰۴]	۰,۳۲۴ [۰,۱۰۷]	۰,۴۲۸ [۰,۱۱۳]	زبان
۰,۳۵۶ [۰,۱۳۸]	۰,۳۴۸ [۰,۱۳۴]	۰,۲۴۵ [۰,۱۲۵]	۰,۲۵۹ [۰,۱۲۹]	۰,۲۶۱ [۰,۱۲۷]	۰,۲۴۱ [۰,۱۳۱]	مجاورت
۰,۱۳۹ [۰,۱۱۷]	۰,۱۸۲ [۰,۱۲۲]	۰,۲۲۵ [۰,۱۱۲]	۰,۲۱۳ [۰,۱۱۳]	۰,۱۸۹ [۰,۱۰۸]	۰,۱۰۹ [۰,۱۲۱]	مستعمره
۰,۳۰۳ [۰,۱۶۰]	۰,۱۱۴ [۰,۱۱۶]	-۰,۲۹۶ [۰,۱۱۴]	-۰,۱۸۵ [۰,۱۱۶]	۰,۱۵۳ [۰,۱۵۰]	۰,۲۵۶ [۰,۰۸۱]	RTA
-۲,۴۲۹ [۱,۲۱۲]	-۲,۰۲۳ [۱,۰۷۸]	-۱,۶۶۶ [۰,۸۷۲]	-۱,۷۲۶ [۰,۹۱۹]	-۱,۹۷۳ [۰,۹۸۴]		تعرفه
			۰,۵۹۹ [۰,۲۴۴]	۰,۷۵۱ [۰,۲۶۸]		دولت
		۰,۷۶۵ [۰,۱۲۵]		۱,۲۲۰ [۰,۱۸۷]		رقابت
	۰,۲۱۶ [۰,۱۱۶]			-۰,۱۳۱ [۰,۱۲۸]		فکری
-۰,۱۹۲ [۰,۱۶۷]				-۰,۳۴۱ [۰,۱۶۱]		اختلافات
۱,۶۱۱ [۰,۳۷۱]	۱,۷۱۰ [۰,۳۹۵]	۱,۴۵۳ [۰,۳۵۰]	۱,۴۶۶ [۰,۳۴۹]	۱,۴۲۲ [۰,۳۶۸]	۱,۸۳۳ [۰,۳۶۴]	WTO
۶۴۱۲	۶۴۱۲	۶۴۱۲	۶۴۱۲	۶۴۱۲	۶۴۱۲	تعداد مشاهدات
۰,۹۳۵	۰,۹۴۴	۰,۹۵	۰,۹۴۵	۰,۹۵۲	۰,۹۳۵	R مربع
۱۲+E-۳,۱	۱۲+E-۳,۱	-۲,۷ ۱۲+E	+E-۳,۹ ۱۲	-۲,۷ ۱۲+E	-۳,۲ ۱۲+E	Pseudo log-likelihood

تأثیرات RTAها از طریق معرفی چهار متغیر ساختگی بندها و البته نرخ‌های تعرفه، در ستون (۲) جدول (۲) نشان داده می‌شود. نتایجی که برای متغیرهای وارد شده در ستون (۱) ایجاد شده است از لحاظ کیفی بی‌تغییر مانده، هر چند که متغیر مجاورت دارای ضرایب غیر قابل توجهی می‌باشد. ما ضریب مثبت قابل توجهی برای متغیر ساختگی RTA متعارف نمی‌یابیم که دلیل آن احتمالاً این است که چهار متغیر ساختگی بندها بخش بزرگی از نیروی توصیفی این متغیر را جذب می‌نماید. متغیر نرخ‌های تعرفه طبق پیش‌بینی‌ها ما از ضریب منفی قابل توجهی برخوردار است. نتایج برای چهار متغیر ساختگی در خصوص بندهای RTA لزوماً با پیش‌بینی‌های ما هماهنگ نیست. تنها ضریب تخمینی برای سیاست رقابتی به طرز معناداری مثبت است. متغیرهای ساختگی برای تدارکات دولتی و دارایی‌های فکری ضرایب غیر قابل توجهی دارند. همچنین بند حل و فصل اختلافات تأثیرات منفی قابل توجهی بر معاملات دارد که بر عکس پیش‌بینی ما می‌باشد. اما این نتایج ممکن است ناشی از ارتباط و همبستگی بالا میان متغیرها باشد که «هم خطی میان متغیرهای مستقل»^۱ نامیده می‌شود.

سپس چهار متغیر مربوط به بندهای RTA را به طور جداگانه و به شکلی ساده معرفی می‌شود تا از پدیده‌ی هم خطی میان متغیرهای مستقل اجتناب شود (ستون‌های ۳ تا ۶ جدول ۲). در این نوع ذکر مشخصات، میانگین تأثیر بقیه‌ی عوامل مهم در RTAها من جمله تأثیر سایر چهار بند، توسط یک متغیر ساختگی RTA متعارف به دست می‌آید. بند مربوط به سیاست رقابتی بیش‌ترین تأثیر را روی ارزش معاملات (۱۲۲٪) دارد. تقریباً همین میزان تأثیر تجارت آفرینی را می‌توان برای متغیر ساختگی تدارکات دولتی مشاهده نمود. در واقع این بند ارزش معاملات را به اندازه‌ی ۷۵ درصد افزایش می‌دهد. در مقابل، نتایج مربوط به بند دارایی‌های فکری و حل و فصل اختلافات دارای ضرایب غیر قابل توجهی می‌باشند. نتایج مربوط به دارایی فکری بیانگر این حقیقت هستند که کشورهای عضو WTO تعهدات اضافی قابل توجه دیگری فراتر از TRIPS نمی‌دهند. نتایج غیر قابل توجه بند حل و فصل اختلافات نیز نشان می‌دهد (حداقل به جز تعداد محدودی از شرکت‌های بزرگ) که این بند عملکردی فراتر از مکانیسم حل اختلاف WTO ندارد. همچنین توجه داشته باشید که ضریب مربوط به ماکت RTA متعارف، زمانی که تنها ماکت حل و فصل اختلافات در کار باشد، بزرگ می‌شود و زمانی که تنها ماکت سیاست

رقابتی در کار باشد (هرچند که ضریب قابل توجهی ندارد)، کوچک می شود. از آنجایی که این ضریب، تاثیر بندهایی را به دست می دهد که به صورت متغیر مستقل لحاظ نشده اند، نتایج مربوط به ماکت RTA متعارف با نتایج قبلی ما در خصوص تاثیر قابل توجه سیاست رقابتی و تاثیر اندک حف و فصل اختلافات، هماهنگی دارد. نکته ی مهم دیگر این است که از آنجایی که حتی پس از کنترل و بررسی عضویت WTO، باز همین نتایج به دست می آید، تخمین های ما نشان می دهد که بندهای RTA که نسبت به بندهای توافق نامه های WTO عمق بیش تری دارند، به طرز قابل توجهی به تجارت آفرینی کمک می نمایند.

به منظور کنترل قدرت یافته ها، مدل های مان را با محدود کردن RTA ها به RTA های قدیمی یا جدید (RTA هایی که قبل و بعد از سال ۱۹۹۹ منعقد شدند)، تخمین زدیم. دو ستون اول جدول (۳) تنها ضرایب چهار متغیر بندها را نشان می دهد که از تخمین به وسیله ی معرفی جداگانه ی این چهار متغیر به دست می آید. با این که تنها متغیر سیاست رقابتی دارای ضریب مثبت معنادار در تخمین برای RTA های جدید می باشد، اما تمام متغیرهای مربوط به بندها در مورد RTA های قدیمی، از ضریب مثبت معنادار برخوردار هستند. بزرگی ضرایب به ترتیب در حل و فصل اختلافات، دارایی های فکری، تدارکات دولتی و سیاست رقابتی به خصوص برای تخمین RTA های قدیمی، بالاتر می باشد. به علاوه، توجه داشته باشید که همان طور که «بایر» و «برگ استراند» (۲۰۰۷) می گویند، تفاوت میان RTA های جدید و قدیمی احتمالاً بیانگر تاثیر مرحله ای یا همراه با تاخیری است که RTA ها روی معاملات دارند. به طور کلی، به نظر می رسد بندی در سیاست رقابتی دارای یک تاثیر مثبت و همیشگی به روی معاملات می باشد.

ب) حاشیه ی درونی در برابر حاشیه ی بیرونی

در تحلیل قبلی دریافت شد که برخی بندها ممکن است به افزایش ارزش معاملات بین کشورهای عضو کمک نماید. در این بخش، به منشأ افزایش ارزش معاملات، افزایش تعداد گونه های معامله شده (حاشیه ی بیرونی) یا افزایش ارزش معاملات به ازای هر گونه (حاشیه ی درونی) پرداخته می شود.

به تبعیت از «فلم»^۱ و «نورد استروم»^۲ (۲۰۱۱) از روش شمارش گونه‌های معامله شده (سطح ۶ رقمی HS) به عنوان مقیاس حاشیه‌ی بیرونی، پرداخته می‌شود که نام آن کدهای شش رقمی HS با ارزش‌های معاملاتی مثبت بود. کل ارزش معاملات تقسیم بر تعداد گونه‌های معامله شده به عنوان مقیاس حاشیه‌ی درونی مورد استفاده قرار گرفت.

«فلم» و «نورد استروم» (۲۰۱۱) روشی را که توسط «هلپمن»^۳، «ملیتز»^۴ و «رابین استین»^۵ (۲۰۰۸) پیشنهاد شده بود اصلاح کردند و با بررسی بیش‌تر حضور فراگیر «ناهم‌واریانی» در داده‌های معاملاتی، ناهمگنی و انتخاب فضای نمونه بر اساس حاشیه‌ی درونی را مورد بررسی قرار دادند. استراتژی تخمین آن‌ها به این شکل بود: در مرحله‌ی اول معادله‌ی جاذبه را برای حاشیه‌ی بیرونی معامله تخمین می‌زدند و «متغیرهای مستثنی» را هم اضافه می‌کردند تا شناسایی تخمین حاشیه‌های برونی تنها وابسته به فرضیه‌ی نرمالیتی برای هزینه‌های ثابت مشاهده نشده‌ی معاملات نباشد. سپس در مرحله‌ی دوم، از طریق معرفی یک چندجمله‌ای در تعداد پیش‌بینی شده‌ای از گونه‌های معامله شده‌ی تخمین مرحله‌ی اول به عنوان یک پروکسی برای کسری از شرکت‌های صادرکننده، معادله‌ی جاذبه را برای حاشیه‌ی درونی تخمین می‌زدند. در هر دو مرحله برای کنترل بیش‌تر ناهم‌واریانی در داده‌های معاملاتی، از تکنیک تخمینی PPML استفاده می‌شد. همچنین استفاده از روش PPML آن‌ها را قادر می‌ساخت بتوانند در مرحله‌ی دوم، ارزش معاملاتی صفر را نیز به ازای هر گونه‌ی معامله شده وارد نمایند و این‌گونه مراقب انحرافات و گرایش‌های جانبدارانه در انتخاب باشند.

در این تحقیق از روش پیشنهادی «فلم» و «نورد استروم» (۲۰۱۱) تبعیت می‌شود. ابتدا باید در تخمین مرحله‌ی اول، متغیرهای مستثنی شده را با دقت انتخاب نمود. از یک دیدگاه تئوریک، این متغیرها باید با ارزش‌های معاملاتی ثابت مانند تنظیم معاملات مرتبط باشند (هلپمن و همکاران ۲۰۰۸). بنابراین از مجموع شاخص‌های شکنندگی کشورهای صادرکننده و وارد کننده استفاده می‌شود. «شاخص شکنندگی»^۶ که توسط «مرکز صلح سیستمیک»^۷ به وجود آمده است،

-
1. Flam
 2. Nordstrom
 3. Helpman
 4. Melitz
 5. Rubinstein
 6. Fragility Index
 7. Center for Systemic Peace

کشورها را بر اساس تاثیرگذاری و مشروعیت در چهار بعد عملکردی امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رتبه‌بندی می‌کند. رقم این شاخص از صفر (بدون شکنندگی) تا ۲۵ (شکنندگی شدید) متغیر است. شکنندگی یک کشور تا حد زیادی وابسته به ظرفیت دولت آن برای مدیریت تعارضات، اتخاذ و اجرای سیاست‌های عمومی، ارائه‌ی سرویس‌های اساسی و انعطاف‌پذیری سیستمی در برقراری انسجام و پیوستگی سیستم و کیفیت زندگی و همچنین واکنش‌های موثر به چالش‌ها و بحران‌ها و البته توسعه‌ی مداوم و رو به جلو می‌باشد. بنابراین این متغیر وابسته به هزینه‌های ثابت معاملاتی خواهد بود و به عنوان یک متغیر مستثنی شده‌ی خوب عمل می‌نماید.

جدول ۳- تخمین RTA: PPML‌های قدیمی در برابر RTA‌های جدید

حاشیه‌ی بیرونی		حاشیه‌ی درونی		کل معاملات		
قدیم	جدید	قدیم	جدید	قدیم	جدید	
۲,۵۴۱ [۰,۷۰۸]	۰,۵۹۹ [۰,۳۵۴]	۰,۱۲۸ [۰,۱۲۳]	۰,۰۶۷ [۰,۰۶۷]	۱,۱۶۵ [۰,۲۶۲]	۰,۰۹۸ [۰,۱۵۱]	دولت
۳,۱۴۱ [۰,۸۳۴]	۱,۹۵۱ [۰,۶۶۴]	۰,۳۵۲ [۰,۱۲۲]	۰,۱۸۲ [۰,۰۵۳]	۱,۳۳۴ [۰,۲۱۸]	۰,۳۵۳ [۰,۱۳۵]	رقابت
-۱,۸۴۵ [۰,۷۰۳]	-۰,۷۷۲ [۰,۳۷۶]	-۰,۱۷۴ [۰,۱۰۱]	-۰,۱۳۹ [۰,۰۸۳]	۰,۸۱۲ [۰,۲۳۲]	۰,۰۲۳ [۰,۱۲۱]	فکری
۲,۱۸۵ [۰,۶۴۱]	-۲,۳۸۶ [۰,۷۷۸]	۰,۲۳۲ [۰,۱۰۱]	-۰,۴۱۳ [۰,۰۸۳]	۰,۴۵۶ [۰,۲۳۱]	-۰,۱۳۸ [۰,۱۴۳]	اختلافات

جدول (۴) و (۵) به ترتیب نشان دهنده‌ی نتایج مربوط به تخمین حاشیه‌ی بیرونی و درونی می‌باشند. به چهار نکته باید توجه کرد. اول، ضرایب مربوط به متغیرهای معمول جاذبه عمدتاً هم در حاشیه‌های بیرونی و هم در حاشیه‌های درونی دارای نشانه‌های مورد پیش‌بینی می‌باشند. همچنین در راستا و هماهنگی با یافته‌های پژوهش‌های قبلی مانند «هلپ‌من»، «ملیتز» و «رابین‌استین» (۲۰۰۸)، تخمین‌های مربوط به حاشیه‌ی بیرونی به‌طور یکنواختی از لحاظ ارزش کوچک‌تر از تخمین‌های حاشیه‌ی درونی هستند. هرچند که این تخمین‌ها ممکن است بین این دو حاشیه اصلاً قابل مقایسه نباشند چرا که متغیرهای وابسته از لحاظ کیفی متفاوت هستند. دوم، در ستون (۱)، ماکت RTA ساده دارای ضرایب مثبت و قابل توجهی در هر دو حاشیه می‌باشد. بنابراین انعقاد RTA‌ها هم تعداد گونه‌های معامله شده (۱۵٪) و هم ارزش معامله به ازای هر گونه (۱۸۰

درصد) را افزایش می‌دهد، هرچند که بزرگی مورد دوم ممکن است بسیار بالا باشد و احتمالاً دلیل آن استفاده‌ی ما از داده‌های سطح مقطعی و/یا ورود تأثیرات ثابت کشور وارد کننده و صادرکننده می‌باشد. سوم، هم‌راستا با یافته‌های تحقیق «لیو» (۲۰۰۹)، عضویت WTO هر دو حاشیه را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد، هرچند که باز هم تأثیر بر حاشیه‌ی درونی بسیار بیش تر است. چهارم، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شود، شکنندگی حکومت در جفت‌های معاملاتی که به عنوان پروکسی برای هزینه‌های ثابت معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد تا حد زیادی تعداد گونه‌های معامله شده را کاهش می‌دهد.

نتایج مربوط به متغیرهای RTA تجزیه شده به این شرح می‌باشد: اول اینکه ضرایب مربوط به نرخ تعرفه‌های دوجانبه در حاشیه‌ی بیرونی، غیر قابل توجه است اما در حاشیه‌ی درونی منفی و قابل توجه می‌باشد. این نتایج ممکن است با یافته‌های «دیباثر» و «مستشاری» (۲۰۱۰) که ادعا دارد کاهش تعرفه تأثیر اندکی بر حاشیه‌ی بیرونی دارد، سازگار باشد. دوم، ضرایب مربوط به دارایی فکری و حل و فصل اختلافات باز هم غیر قابل توجه تخمین خورده‌اند و حتی دارای یک نشانه‌ی پیش‌بینی نشده در هر دو حاشیه می‌باشند. این نتایج به یافته‌های قبلی در جدول (۲) هماهنگی دارد. سوم، همانند مورد ارزش‌های معامله، بند مربوط به سیاست رقابتی قابل توجه‌ترین تأثیر را روی هر دو حاشیه دارد و پس از آن بند مربوط به تدارکات دولتی در رتبه‌ی بعدی تأثیرگذاری قرار دارد. این نتیجه به نظر منطقی می‌رسد. هدف سیاست رقابتی، اطمینان از مهار و جلوگیری از رفتارهای غیر رقابتی است که معمولاً باعث ورود شرکت‌های داخلی و خارجی جدید می‌گردند. یک بند مربوط به تدارکات دولتی می‌تواند آغازگر معامله‌ی کالاهایی باشد که در گذشته تشخیص داده نشده‌اند چرا که بازارهای تدارکاتی به شدت مورد حفاظت و مراقبت قرار دارند. باز شدن این بازار بزرگ حفاظت شده روبرو به معاملات می‌تواند باعث معامله‌ی کالاهای جدیدی شود. بنابراین هر دوی این بندها تأثیرات مثبتی بر حاشیه‌های بیرونی و درونی خواهند داشت.

سرانجام با محدود کردن RTAها تنها به RTAهای جدید و قدیمی (RTAهای منعقد شده قبل و بعد)، مدل‌ها برای حاشیه‌های درونی و بیرونی تخمین زده می‌شود. نتایج در ستون «حاشیه‌ی بیرونی» و «حاشیه‌ی درونی» جدول ۳ نشان داده شده است. همان‌طور که در «کل معاملات» مشاهده می‌شود، تأثیرات همراه با تأخیر هر بند (به جز بند دارایی‌های فکری) برای هر دو حاشیه‌ی درونی و بیرونی مشهود است. ضرایب بزرگ‌تر و/یا قابل توجه در «RTAهای

جدول ۵- تخمین PPML برای معادلات جاذبه : حاشیه‌ی درونی

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
-۱,۹۰۲ [۰,۶۹۰]	-۲,۰۱۹ [۰,۷۲۷]	-۲,۱۶۰ [۰,۷۷۵]	-۲,۰۵۷ [۰,۷۴۹]	-۲,۰۳۳ [۰,۷۱۵]	-۲,۳۹۹ [۰,۷۷۶]	فاصله
۰,۷۵۵ [۰,۲۸۰]	۰,۷۳۶ [۰,۳۱۴]	۰,۷۱۲ [۰,۲۸۸]	۰,۷۲۴ [۰,۲۸۲]	۰,۷۵۶ [۰,۲۹۴]	۰,۹۹۸ [۰,۳۷۹]	زبان
۰,۴۲۸ [۰,۱۶۹]	۰,۲۴۸ [۰,۱۸۳]	۰,۱۷۷ [۰,۱۹۳]	۰,۲۳۹ [۰,۱۸۶]	۰,۳۰۹ [۰,۱۵۸]	۰,۴۳۷ [۰,۱۹۱]	مجاورت
۱,۱۶۳ [۰,۵۲۴]	۱,۴۴۵ [۰,۵۶۶]	۱,۵۲۴ [۰,۶۳۳]	۱,۴۵۲ [۰,۶۲۲]	۱,۱۹۴ [۰,۴۶۱]	۱,۶۲۲ [۰,۶۸۵]	مستعمره
۱,۷۱۵ [۰,۴۱۹]	۰,۸۳۱ [۰,۲۸۲]	۰,۲۸۷ [۰,۱۲۵]	۰,۵۳۸ [۰,۱۵۶]	۱,۵۸۲ [۰,۴۰۸]	۱,۰۴۱ [۰,۲۷۹]	RTA
۷,۱۶۴۳ [۲,۹۵۹]	۸,۶۶۳۱ [۳,۶۵۶]	-۴,۷۷۱ [۲,۲۶۷]	۵,۴۴۳۰ [۲,۵۰۵]	-۷,۱۸۴ [۲,۹۱۱]		تعرفه
			۰,۸۱۷ [۰,۴۲۳]	-۱,۱۵۸ [۰,۴۳۸]		دولت
		۱,۵۲۳ [۰,۵۳۴]		۲,۶۵۷ [۰,۹۰۲]		رقابت
	۰,۰۵۳ [۰,۲۰۵]			-۰,۴۵۳ [۰,۳۵۴]		فکری
-۱,۱۰۱ [۰,۳۲۵]				-۱,۳۵۰ [۰,۳۸۸]		اختلافات
۳,۹۵۰ [۱,۲۷۷]	۴,۰۲۹ [۱,۳۱۳]	۴,۲۳۸ [۱,۳۹۱]	۴,۱۴۷ [۱,۳۶۶]	۳,۵۵۵ [۱,۰۶۸]	۵,۱۴۵ [۱,۶۴۷]	WTO
-۲,۸۱۲ [۱,۵۱۳]	-۳,۲۱۰ [۱,۶۵۸]	-۳,۵۷۸ [۱,۷۸۲]	-۳,۴۰۲ [۱,۷۱۱]	-۲,۹۴۸ [۱,۵۴۲]	-۴,۰۹۰ [۱,۹۵۵]	تعداد گونه‌های پیش‌بینی شده
-۰,۳۰۴ [۰,۰۷۹]	-۰,۳۰۱ [۰,۰۸۰]	-۰,۳۰۷ [۰,۰۸۱]	-۰,۲۹۵ [۰,۰۸۲]	-۰,۳۳۷ [۰,۰۸۶]	-۰,۲۹۱ [۰,۰۷۸]	مربع تعداد پیش‌بینی شده
۰,۰۱۹ [۰,۰۰۵]	۰,۰۱۹ [۰,۰۰۵]	۰,۰۱۹ [۰,۰۰۵]	۰,۰۱۸ [۰,۰۰۵]	۰,۰۲۱ [۰,۰۰۵]	۰,۰۱۸ [۰,۰۰۵]	مکعب تعداد پیش‌بینی شده
۶۴۱۲	۶۴۱۲	۶۴۱۲	۶۴۱۲	۶۴۱۲	۶۴۱۲	تعداد مشاهدات
۰,۹۵	۰,۹۵	۰,۹۲	۰,۹۴	۰,۹۶	۰,۹۳	R مربع
$0.5 + 4.1E -$	$0.5 + 4.1E -$	$0.5 + 4.1E -$	$0.5 + 4.1E -$	$0.5 + 4.1E -$	$0.5 + 4.1E -$	Pseudo log - likelihood

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

حوزه‌ی توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای RTA اخیر با وارد کردن چندین بند من جمله سیاست رقابت یا دارایی‌های فکری و فراتر رفتن از مرز تعهدات WTO، گسترده‌تر از پیش شده است. این RTAهای گسترش یافته نه فقط نرخ‌های تعرفه را کاهش می‌دهند بلکه باعث ایجاد همکاری و ارتباط در حوزه‌های متعدد اقتصادی در میان کشورهای عضو می‌گردد. اگر وجود هر بند دارای تاثیرات قابل توجه و متفاوتی از لحاظ تجارت‌آفرینی داشته باشد، حتی اگر از لحاظ میزان کاهش تعرفه‌ها دارای ارزش برابر باشند، این تفاوت‌ها در حوزه‌ی RTAها می‌تواند منجر به تاثیرات ناهمگنی روی معاملات میان RTAها شود. همچنین اگر هر بند از RTA تاثیرات متفاوتی بر حاشیه‌های درونی و بیرونی داشته باشد، شاید لازم باشد RTAهایی طراحی شود که افزایش ارزش معاملات را به حداکثر رسانده تا حمایت سیاسی برای انعقاد RTAها گسترده‌تر گردد.

این مقاله سعی دارد میزان تاثیر افزایشی هر بند از RTA بر ارزش معامله را در کشورهای عضو RTA مورد بررسی قرار دهد. برای انجام این کار با استفاده از تکنیک تخمین PPML به همراه اندیکاتورهایی که به خوبی برای هر RTA منعقد شده تفکیک شده‌اند، یک معادله‌ی جاذبه را تخمین زده شد. در حالی که پژوهش‌های گذشته مانند «ویکارد» (۲۰۰۹)، «روی» (۲۰۱۰) و «بایر»، «برگ استراند» و «فنگ» (۲۰۱۱) روی انواع مختلف RTA و عمق و پوشش آن‌ها تمرکز داشته‌اند، در این مقاله روی بندهای موجود در RTA تاکید و متغیری برای نرخ‌های تعرفه‌ی واقعی لحاظ گردید تا تاثیر اولیه‌ی RTAها به دست آید و روی نقش چهار نوع بند مندرج در RTAها که شناسایی‌شان نسبتاً آسان است (بندهای مربوط به تدارکات دولتی، دارایی‌های فکری، سیاست رقابتی و حل و فصل اختلافات) تمرکز می‌شود. ۹۶ RTA منعقد شده که ۶۷ کشور را در منطقه‌ی ESCAP پوشش می‌دهد مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های مربوط به تجارت بین‌المللی براساس اطلاعات جمع‌آوری شده در سطح شش رقمی HS1۹۹۲ در قسمت‌های (۲) تا (۴) دسته‌بندی مشروط CPC برای سال ۲۰۱۷ می‌باشد.

از تحلیل‌ها دریافت شد که بند سیاست رقابتی به‌طور مداوم دارای تاثیرات مثبتی بر معاملات می‌باشد و بیش‌ترین تاثیر را بر گسترش معاملات دارد و سپس بند تدارکات دولتی در رتبه‌ی دوم تاثیرگذاری قرار می‌گیرد. همچنین افزایش معاملات در حاشیه‌های درونی و بیرونی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل روی حاشیه‌ها نشان می‌دهد نقش‌های قابل توجه بندهای مربوط

به سیاست رقابتی و تدارکات دولتی نیز مشاهده شده است. تمام نتایج نسبت به مشخصات و نمونه‌های مختلف، قدرتمند و معتبر هستند و نشان می‌دهند حضور بندهای سیاست رقابتی و تدارکات دولتی به منظور افزایش تأثیرات تجارت آفرینی RTAها در جهت گسترش حمایت سیاسی برای انعقاد RTAها بسیار حائز اهمیت است. بنابراین در چارچوب اهداف و نتایج جاصله پیشنهاد می‌گردد: الف) در توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای حتی الامکان از منظور نمودن بندهای نامتعارف پرهیز نموده و نسبت به درج هر بندی که اثر معکوس بر حجم و گسترش معاملات و تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی می‌گردد حساسیت زیاد و معقولی داشته و توافقنامه‌های تجاری طراحی و منعقد گردد که افزایش ارزش معاملات را به حداکثر رسانده تا حمایت سیاسی برای انعقاد RTAها گسترده‌تر گردد. ب) از بین بندهای نامتعارف توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای، بندهای «سیاست رقابتی و تدارکات دولتی» با توجه به شدت تأثیرگذاری مورد توجه بیشتری قرار گرفته و از آنجایی که ارتباط بیشتری هر دو بند با دولت‌ها دارند دولت‌ها نسبت به آنها حساسیت و دقت نظر بیشتری اعمال نمایند. ج) با توجه به مولفه‌های روابط سیاسی و تجاری موجود و میزان ارزش معاملات و تجارت خارجی، توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای با کشورهایی منعقد گردد که اولاً ساختار اقتصادی سیاسی مطلوب و پایداری با ایران داشته و ثانیاً در اقتصاد جهانی و معادلات اقتصادی سهم زیادی داشته و از استقلال اقتصادی سیاسی مطلوبی برخوردار بوده و در لوای تجارت با آن کشورها ضمن افزایش رشد اقتصادی باعث انتقال تکنولوژی و دانش فنی، ورود سرمایه به اقتصاد ایران را نیز در پی داشته باشد. د) با توجه به بند حل و فصل اختلافات برای RTAها در انعقاد توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای، کشورهایی بیشتر مد نظر قرار داشته باشند که از نظر اشتراکات قانونی و حقوقی قرابت بیشتری با مواضع حقوقی قانونی ایران داشته باشند که در صورت بروز مشکل، رفع اختلافات تسهیل و تسریع گردند. ح) بر اساس اشتراکات سیاسی، اقتصادی و قانونی حسب شرایط حاکم بندهای جدیدی تعریف و منظور گردد تا افزایش حجم معاملات اقتصادی را در پی داشته باشد.

منابع

- Alvarez, Ana Maria, and Laurence Wilse-Samson (2007). Implementing competition-related provisions in regional trade agreements: Is it possible to obtain development gains? UNCTAD/DITC/CLP/2006/4, United Nations Conference on Trade and Development.

- Anderson, James E., and Eric van Wincoop (2003). Gravity with Gravitas: A solution to the border puzzle. *American Economic Review* 93: 170-192.
- Asian Development Bank (2008). How to design, negotiate, and implement a free trade agreement in Asia. Asian Development Bank.
- Baier, Scott L., and Jeffry H. Bergstrand (2004). Economic determinants of free trade agreements. *Journal of International Economics* 64: 29-63.
- Baier, Scott L., and Jeffry H. Bergstrand (2007). Do free trade agreements actually increase members' international trade? *Journal of International Economics* 71: 72-95.
- Baier, Scott L., Jeffry H. Bergstrand, and Michael Feng (2011). Economic integration agreements and the margins of international trade: A «distorted gravity» approach. Unpublished manuscript.
- Besedes, Tibor, and Thomas Prusa (2011). The role of extensive and intensive margins and export growth. *Journal of Development Economics* 96: 371-379.
- Brusick, Philippe, Ana Maria Alvarez, and Lucian Cernat (2005). Competition provisions in regional trade agreements: How to assure development gains. UNCTAD/DITC/CLP/2005/1, United Nations Conference on Trade and Development.
- Caporale, Guglielmo, Christophe Rault, Robert Sova, and Anamaria Sova (2009). On the bilateral trade effects of free trade agreements between the EU-15 and the CEEC-4 countries. *Review of World Economics* 145: 189-206.
- Chaney, Thomas, (2008). Distorted gravity: The intensive and extensive margins of international trade. *American Economic Review* 98 (4): 1707-1721.
- Debaere, Peter, and Shalah Mostashari (2010). Do tariffs matter for the extensive margin of international trade? An empirical analysis. *Journal of International Economics* 81: 163-169.
- Demidova, Svetlana, and Kala Krishna (2008). Firm heterogeneity and firm behavior with conditional policies. *Economics Letters* 98: 122-128.
- Duval, Yann (2011). Trade facilitation in regional trade agreements: Recent trends in Asia and the Pacific. Working Paper Series 211, United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
- Egger, Peter, Mario Larch, Kevin E. Staub, and Rainer Winkelmann (2011). The trade effects of endogenous preferential trade agreements. *American Economic Journal* 3: 113-143.
- Feenstra, Robert (2002). Border effects and the gravity equation: Consistent methods for estimation. *Scottish Journal of Political Economy* 49: 491-506.
- Felbermayr, Gabriel J., and Wilhelm Kohler (2006). Exploring the intensive and extensive margins of world trade. *Review of World Economics* 142: 642-674.
- Flam, Harry, and Hakan Nordstrom (2011). Gravity estimation of the intensive and

- extensive margins of trade: An alternative procedure with alternative data. CESifo Working Paper, No. 3387.
- Foster, Neil, Johannes Pschl, and Robert Stehrer (2011). The impact of preferential trade agreements on the margins of international trade. *Economic Systems* 35: 84-97.
- Helpman, Elhanan, Marc Melitz, and Yona Rubinstein (2008). Estimating trade flows: Trading partners and trading volumes. *Quarterly Journal of Economics* 123: 441-487.
- Hummels, David, and Peter Klenow (2005). The variety and quality of a nation's exports. *American Economic Review* 95: 704-723.
- Liu, Xuepeng (2009). GATT/WTO promotes trade strongly: Sample selection and model specification. *Review of International Economics* 17(3): 428-446.
- Medvedev, Denis (2010). Preferential trade agreements and their role in world trade. *Review of World Economics* 146: 199-222.
- Melitz, Marc (2003). The impact of trade on intra-industry reallocations and aggregate industry productivity. *Econometrica* 71: 1695-1725.
- Roy, Jayjit (2010). Do customs union members engage in more bilateral trade than free-trade agreement members? *Review of International Economics* 18: 663-681.
- Silva, Santos, and Silvana Tenreyro (2006). The log of gravity. *Review of Economics and Statistics* 88: 41-658.
- Vicard, Vincent (2009). On trade creation and regional trade agreements: Does depth matter? *Review of World Economics* 145: 167-187.